

بر بلندای موفقیت با پای کربنی

**گفتنی‌های الهام‌بخش «سجاد سالاروند»
سریع‌ترین دوندۀ معلول ایرانی از تجربه
صعود به ۳ بام دنیا، قهرمانی در مسابقات
سنگ‌نور دی، اخذ گواهی‌نامه خلبانی، رویای
حضور در پارالمپیک و...**

نسترن رضوی آروزنامه‌نگار

پرونده

«استیو تولتز» در شروع کتاب جزء از کل می‌گوید: «اگر کائنات تصمیم بگیرد درسی به ما انسان‌ها بدهد، مثل روز روشن است که ورزشکار باید پایش را از دست بدهد، فیلسوف عقلش، نقاش چشمش، آهنگ‌ساز گوشش و...» به نظر شما بعد از این اتفاق، این افراد شغل و حرفه خود را رها می‌کنند یا جدی‌تر از گذشته به آن ادامه می‌دهند؟ اصلاً مگر چنین امکانی وجود دارد؟ پاسخ این سوال مثبت است! سجاد سالاروند، ۳۹ ساله، دوندۀ و کوهنورد در سال ۱۳۹۵ بر اثر یک حادثه رانندگی هر دو پای خود را از دست می‌دهد و بعد از آن نه تنها ورزش را رها نمی‌کند، بلکه با قبول این اتفاق مسیر زندگی خود را به سمت ورزش حرفه‌ای پیش برده است. سالاروند بعد از آن حادثه سه قله مهم در دنیا را فتح کرده است، در دو میدانی سرعت با دو پای مصنوعی رکورددار مسابقات ورودی پارالمپیک شده، در رشته‌های ورزشی سنگنوردی و برج‌نوردی افتخارات بزرگی را کسب کرده است و به‌عنوان اولین معلول ایرانی موفق به گرفتن مدرک خلبانی پرواز از سازمان هواپیمایی کشور شده است. در ادامه با زندگی این ورزشکار شکست‌ناپذیر که اتفاق پیش‌آمده را به فرصت تبدیل کرده و هر روز ورزش را با امید و انگیزه بیشتری آشنا شوید.



شروع کوهنوردی ۴۵ روز بعد از تصادف!

از او می‌پرسم از زمان تصادف تا شروع دوباره ورزش چقدر طول کشید؟ که می‌گوید: «من ۴۵ روز بعد از تصادف در حالی که هنوز پاهایم بخیه داشت، کوهنوردی را شروع کردم و به کمک دوستانم قله‌ای در نزدیکی جاده چالوس را پی‌مومدم. در طول آن مسیر بارها خسته شدم، زمین‌خوردم، حتی بخیه‌هایم باز شد و همراهانم را بسیار ناراحت کرد، اما این اصرار و تلاش باعث شد که من دوباره از جایم بلند شوم و به این نتیجه رسیدم که اگر بخواهم در مسیر ورزش باشم، پس باید تلاشم را چندین برابر کنم. از همان روز تمرین‌های جدی‌ام را در خانه شروع کردم و ۱۴ ماه بعد به دنیای حرفه‌ای کوهنوردی برگشتم.»

بر خلاف صفحه‌های انگیزشی، شعار

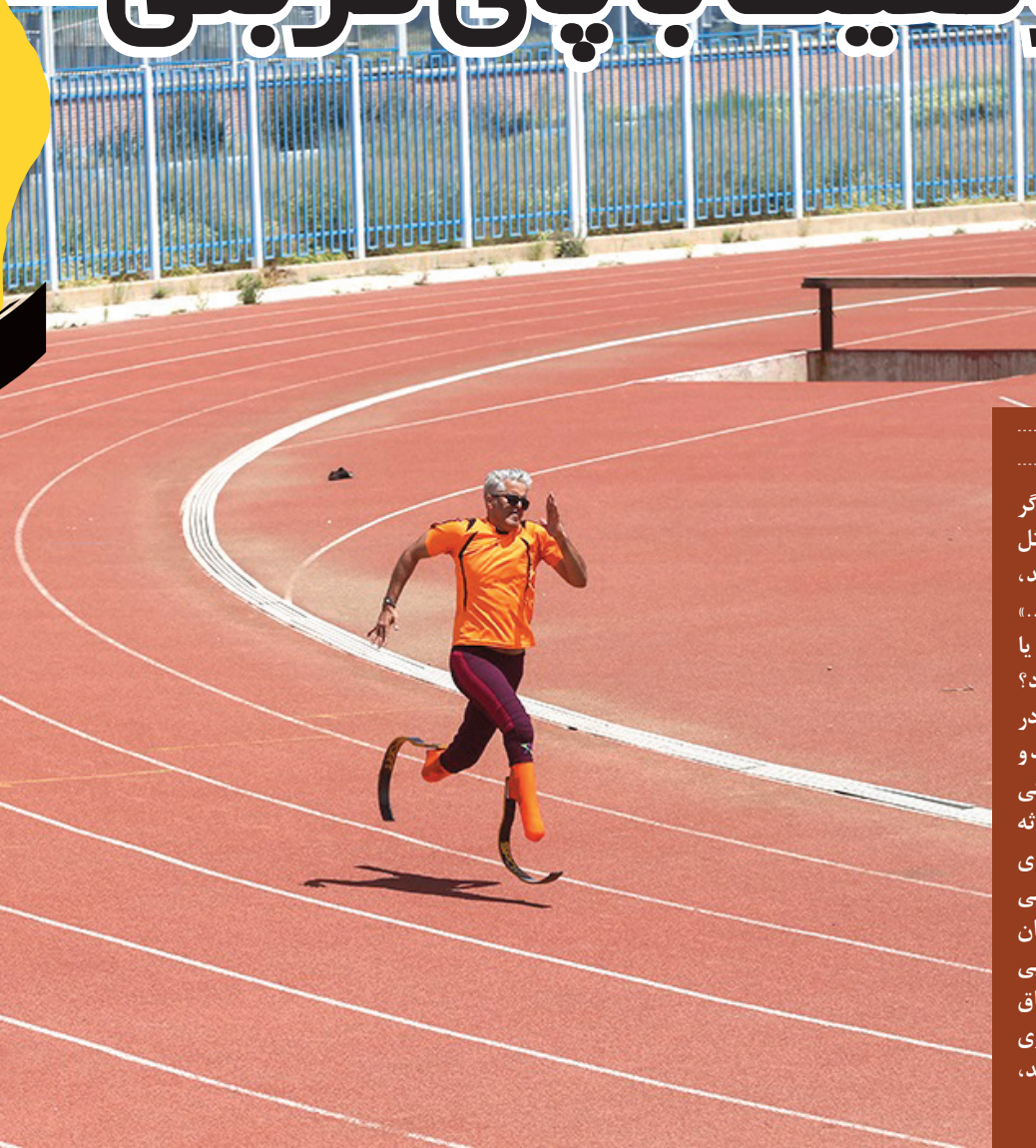
نمی‌دهم، عمل می‌کنم

از سالاروند می‌پرسم که فعالیت‌های او در دنیای واقعی و مجازی تا چه اندازه‌ای توانسته برای افراد تأثیرگذار باشد؟ این‌طور پاسخ می‌دهد: «راستش من همیشه از تمرین‌ها و فعالیت‌هایم در اینستاگرام ویدئو منتشر می‌کنم و افراد را به انجام ورزش تشویق می‌کنم. برخی می‌گویند با مشاهده فعالیت‌هایم برای ورزش کردن انگیزه می‌گیرند و من بسیار خوشحال می‌شوم. این روزها صفحه‌های انگیزشی زیادی را می‌بینیم که بیشتر جنبه درآمذایی دارد، اما من تلاش می‌کنم به حرف‌هایم عمل کنم و فقط شعار ندهم. ما نمی‌توانیم فقط به سکوی قهرمانی فکر کنیم و هیچ تمرینی نداشته باشیم، حرکت کردن، قدم برداشتن و در مسیر بودن مهم است. البته گاهی با نامهربانی برخی افراد هم مواجه می‌شویم، مثلاً آن‌ها می‌گویند تو نمی‌توانی این ورزش را انجام دهی، اما به نظر من جهان هر کس به اندازه وسعت دید او است. زمانی که تو بتوانی ذهنت را از درون قوی کنی هیچ کسی نمی‌تواند از بیرون به تو آسیبی برساند.»

پروتنز پاهایم را زخم می‌کند

اما تسلیم نمی‌شوم

«معلولیت، محدودیت نیست» همه ما این جمله را بارها شنیده‌ایم، اما سالاروند آن را باتمام وجودش لمس کرده و بااراده و پشتکار توانسته بر معلولیت خود غلبه کند. نظر او را درباره این جمله می‌پرسم که می‌گوید: «خوشحالم از این که باورزش کردن من بسیاری از دوستان معلول به انجام این کار تشویق شدند. برخی از آن‌ها می‌گفتند به دلیل معلولیت‌شان خجالت می‌کشیدند و آن را پنهان می‌کردند، اما زمانی که فعالیت‌های من را دیدند، آن‌ها هم آزادانه علایق خود را دنبال کرده‌اند. به نظر من هیچ محدودیتی برای انسان‌ها وجود ندارد و ما با قرار گرفتن در شرایط خاص تنها باید قدر داشته‌های خود، به‌ویژه سلامتی را بیشتر بدانیم. البته این مسیر سختی‌هایی هم دارد، مثلاً تاکنون بارها حین ورزش پروتنز پاهایم را زخم کرده یا هنگام صعودهای طولانی پیچ پایم شل شده است، اما چیزی که در تمام این سال‌ها من را به ادامه دادن تشویق می‌کرد لحظه صعود به قله و موفقیت بود که تمام سختی‌ها را برایم به شیرینی تبدیل می‌کرد.»



پذیرش؛ مهم‌ترین چیزی که به آن نیاز داشتم

از سجاد سالاروند می‌پرسم به عنوان یک ورزشکار چطور توانستید با این اتفاق ناگوار کنار بیایید؟ می‌گوید: «راستش این اتفاق برای من که از دوران کودکی عاشق ورزش بودم، در جوانی کوهنوردی می‌کردم، از سال ۸۹ به شکل حرفه‌ای این ورزش را دنبال می‌کردم، شو که کننده بود. برخی معلولیت‌ها از دوران کودکی یا حتی بدو تولد با افراد همراه است و به مرور زمان پذیرش راحت‌تری دارد، اما وضعیت من متفاوت بود. همه چیز خیلی سریع‌تر از یک چشم‌برهم‌زدن اتفاق افتاد و من در اوج سلامتی جسمانی



گرفتم خود را برای قدم‌های بزرگ‌تر آماده‌کنم و دامنه فعالیت‌های ورزشی‌ام را گسترش دهم. به همین دلیل قله دماوند را در یک بازه یک‌و نیم‌روزه همراه با کوهنوردان سالم طی کردم! شرکت در مسابقات دوو میدانی سرعتی، دریافت گواهی‌نامه خلبانی و پرواز با پاراگلایدر از دیگر فعالیت‌هایی بود که در این سال‌ها انجام دادم. بعد از آن تصادف در زمان هر مسابقه یا صعود قله‌ای باخود می‌گویم: شاید جسمم محدودیت‌هایی داشته باشد، اما با وجود هدف‌های بزرگی که در ذهن دارم هیچ‌وقت دست از تلاش بر نمی‌دارم. من رشته‌های ورزشی انتخاب می‌کنم که عنصر اصلی‌شان پا بوده است و معتقدم که هیچ غیرممکنی نیست که به دست بشر ممکن نشود.»

برای افراد معلول با کمک برخی بازیگران و قهرمانان، پای

مصنوعی می‌خریم

قهرمانی چون سجاد سالاروند نه تنها در زمینه ایجاد امید و انگیزه برای افراد معلول می‌تواند الگوی خوبی باشد، بلکه او به کمک برخی چهره‌ها از جمله رسول خادم، پرویز پرستویی و عده‌ای از خیران در قالب یک موسسه مشغول ساخت پروتنز پای مصنوعی برای افراد معلول هستند. از سالاروند می‌خواهم که در باره این اقدام تحسین‌برانگیز بیشتر توضیح دهد: «متأسفانه در کشور ما پروتنز پا جزو عمل‌های زیبایی محسوب می‌شود و هیچ بیمه‌ای این موضوع را نمی‌پذیرد و در اولویت نیست. از طرفی هزینه‌های پیوند اندام‌های مصنوعی آن قدر زیاد است که افراد زیادی از عهده آن بر نمی‌آیند. به همین دلیل تصمیم گرفتم به عزیزی که در اثر حادثه عضوی را از دست می‌دهند، کمک کنیم تا بتوانند دوباره به زندگی عادی خود بازگردند.»

رواییم مدال گرفتن در پارالمپیک توکیو است



سجاد سالاروند به عنوان سومین کوهنورد معلول حرفه‌ای در جهان از آرزوهایش در دنیای ورزش می‌گوید: «خدا را شکر می‌کنم که تا به امروز توانستم به عنوان یک ایرانی رکوردهای داخلی و خارجی خوبی را ثبت کنم. مدتی است در حال تمرین و آماده‌سازی برای صعود به اورست هستم، تاکنون دو نفر در جهان با وضعیت جسمانی مشابه من به انجام چنین کاری موفق شده‌اند و من تلاش می‌کنم تا به عنوان یک ایرانی با سرند یا ابوالفضل العباس (ع) پرچم کشورم را بر فراز این قله‌نشانم. البته صعود به اورست سرمایه‌زایی می‌خواهد که با حمایت مسئولان ممکن می‌شود. همچنین نذر کرده‌ام دورتادور حرم امام رضا (ع) را روی دوازدهم خودم راه بروم که امیدوارم به‌زودی طلبیده شوم.» در ضمن، او دو صدمتر را در ۱۲ ثانیه و ۵۷ صدم ثانیه می‌دود و در همین دوران کرونا روزی دو جلسه تمرین می‌کند چون بعد از فتح قله ۳ کشور دنیا، روایش دوییدن در پارالمپیک و مدال گرفتن در توکیو است.

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنج شنبه • ۲۴ تیر ۱۴۰۰

۴ ذی الحجه ۱۴۴۲ • ۱۵ جولای ۲۰۲۱

شماره ۲۰۷۱۰

۱۹۳۰

قدیمی‌ترین فرش جهان ایرانی است؟

«پازیریک» فرشی است با قدمت ۲۵۰۰ ساله که سال ۱۳۲۸ خورشیدی در روسیه کشف شد و ابهام‌های زیادی درباره‌اش وجود دارد



فرشی که نزدیک ۷۰ سال پیش در نزدیکی مرز مغولستان کشف شد، یکی از اشیای باستانی مرموز به حساب می‌آید چون اطلاعات ضد و نقیض زیادی درباره‌اش منتشر شده است. قالی پازیریک قدیمی‌ترین فرش جهان است که در سال ۱۳۲۸ خورشیدی (۱۹۴۹ میلادی) توسط سرگی رودنکو، باستان‌شناس روسی در دره پازیریک واقع در ابتدای رشته‌کوه‌های آلتای در محدوده کشور روسیه، در کنار اشیای باستانی مشهوری مانند گلدان چوبی، مومیایی دوید، نقش

اسب سواری به همراه آتاری دیگر در گور یخ‌زده یکی از فرمانروایان سکایی کشف شد. این فرش، قدیمی‌ترین فرش جهان است که نقوش آن در طول زمان دست‌نخورده و تقریباً سالم مانده و آسیب کمی دیده است. در ادامه، نکاتی درباره این فرش، احتمال ایرانی بودنش، جنس آن، محل نگهداری‌اش، نقوشی که رویش نقش بسته‌و... خواهید خواند.

🔴 **این فرش چطور ۲۵۰۰ سال سالم مانده؟**

پازیریک در کوهستان آلتای در جنوب سیبری مر کزی و در نزدیکی مر مغولستان کشف شد. این کوهستان ۱۵۰۰ متر از سطح دریای آزاد ارتفاع دارد که بیشتر مواقع سال پوشیده از یخ است. «سرگی رودنکو» در دره پازیریک، ۵۰مقبره بزرگ و ۹ مقبره کوچک کشف کرد که متعلق به پادشاهان سکایی بود. مطالعات دانشمندان در این زمینه نشان می‌دهد که این قالیچه به دلیل سرمای کوهستان به صورت کامل یخ‌زده است و امروزه به همان شکلی دیده می‌شود که در گذشته وجود داشته است. البته قسمتی از فرش پازیریک از بین رفته است که خود این موضوع صحت این نظریه را تایید می‌کند. این فرش در کنار مقبره یک زن کشف شده است که تاوجه به روستری زر کاری شده، جواهرات و متعلقات فراوان و خال کوبی بدنش، به نظری می‌رسد جزو دای‌های یک خانواده سلطنتی بوده است.

🔴 **مشخصات قالی یا فرش پازیریک چیست؟**



جنس قالی پازیریک از الیاف ویشم است که پس از مدت کوتاهی تجزیه می‌شود و از بین می‌رود اما این قالی از شمدن هم‌چنان سالم مانده است. این قالی از الیافی با رنگ‌های سرزنده قرمز، سبز، زرد، سفید و سیاه بافته شده است. ابعاد آن ۱۹۸ × ۱۸۹ سانتی متر است و تعداد گره‌های زده شده در این قالی ۳۶۰۰ عدد است. نقوش فرش پازیریک از حاشیه به سمت مرکز شامل نقوش موجودات اساطیری ایرانی است که در ردیف بعدی به ۲۸ سوار کاری می‌رسد که در جهت خلاف عقربه‌های ساعت حرکت می‌کنند و چهره‌هایی ایرانی دارند و دم اسب‌های آن‌ها بافته شده است (گره زدن دم اسب‌ها در زمان جنگ‌ها مرسوم بوده است). پس از سوارکاران یک ردیف طرح مربعی که در قالی باقی به هشت‌پره شهرت دارد دیده می‌شود. پس از هشت‌پره‌ها به گوزن‌های زرد خالدار ایرانی با شاخ‌پهن می‌رسیم که در خلاف جهت سوارکاران (در جهت عقربه‌های ساعت) در حال حرکت هستند. نقوش موجودات اساطیری دوباره پس از گوزن‌ها دیده می‌شود. بالاخره در مرکز قالی ۲۴ طرح هشت‌پره به چشم می‌خورد. همه نقوش با جزئیات و ظرافت مثال‌زدنی طراحی شده‌اند. اعداد نام‌برده می‌تواند نمادی از ۲۸ روز، ۲۴ ساعت روز و ۳۶۰۰ ثانیه در هر ساعت باشد!

🔴 **دلیل ایرانی بودن فرش پازیریک چیست؟**

فرش ایرانی و نقوش خاص آن در جهان شهره خاص و عام است و بر صحت این امر که ایرانیان در زمینه بافت و طراحی فرش از دیرباز دستی بر آتش دارند، شکی نیست. از طرفی هم در بین سازه‌های به جا مانده از دوران هخامنشیان و پیش از آن نقوش آثار باستانی دیده می‌شود که نمونه آن در قالی پازیریک دیده می‌شود. همچنین به نقل از رودنکو در کتاب خود، با اولین نگاه به فرش پازیریک، وی اذعان داشته که با دیدن این فرش به یاد تخت جمشید افتاده است. علاوه بر این سبک قالی بافی و نقوش این فرش همچنان پس از سال‌ها در بین فرش‌های بافته شده دیده می‌شود. همه این دلایل نشان از ایرانی بودن این فرش و هدیه‌ای از سوی پادشاه ایران به پادشاه تورانیک سکایی است اما باز هم درباره تاریخچه حقیقی این فرش نظریه‌های متفاوتی ارائه شده است. برخی از پژوهشگران پازیریک را به مادها و پارت‌ها نسبت می‌دهند و نظریه‌های متفاوتی در رابطه با قدمت دقیق فرش صادر می‌کنند. در این بین دانشمندان گمان می‌برند که این فرش از نظر محدوده ساخت، به احتمال قوی متعلق به ارمنستان کنونی یا بخش‌های شمالی ایران است.

🔴 **محل نگهداری پازیریک**

فرش پازیریک در موزه آر میثاژ در سن پترزبورگ روسیه نگهداری می‌شود. این موزه یکی از بزرگ‌ترین موزه‌های تاریخ و فرهنگ بشری در دنیا است و ۳۳ میلیون اثر هنری دارد که در شش بنا به نمایش عموم گذاشته می‌شوند.